

متن پیاده سازی شده جلسه بیست و یکم تفسیر قرآن کریم 20 اردیبهشت ماه 1402

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

در ادامه بحث از تفسیر بسم الله الرحمن الرحيم جلسه گذشته به چند بحث علوم قرآنی پرداختیم و چندین سوال فقهی هم مطرح شد. در جلسه گذشته به دو مساله از مسائل علوم قرآن بسمله پرداخته شد و در این جلسه هم ناچاراً در امتداد بحث همان دو مساله را پیگیری کنیم. البته علوم قرآنی که می گوئیم به این معنا نیست که اثر فقهی ندارد بلکه اثر فقهی هم دارد. دو مساله:

1. هل البسملة من القرآن؟

2. هل البسملة في كل سورة جزء من السورة؟

ابتدائاً ادله جزء بودن قرآن و جزء هر سوره بودن بسم الله را بیان می کنیم. در کتاب البیانی که از آن نقل می کنیم حضرت آقای خویی (قدس سره) این دو بحث را از هم جدا نکرده اند و از نقدهای ما بر ایشان همین است که چرا این دو را جدا نکردید. ایشان 4 دلیل آورده اند که بسم الله جزء قرآن است و چون از همدیگر جدا نکرده اند در واقع می- خواهند مساله دوم را هم با همین ادله روشن کنند؛ به جز سوره براءت که بسم الله ندارد بقیه سوره ها بسم الله دارد و بسم الله هم جزء سوره است. از آثار جزء بودن بسم الله اینکه مثلاً باید قبل از شروع نماز بسم الله را به قصد همان سوره ای گفته شود که می خواهد بخواند یا در نماز آیات هنگام تقسیم سوره می توان بسم الله را یک آیه حساب کرد.

۱. اولین گروه ادله 3 روایت از شیعه است:

1. روایت معاویه بن عمار از نظر سند قابل دفاع است که می گوید: إِذَا قُمْتُ لِلصَّلَاةِ أَقْرَأُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي فَاتِحَةِ الْقُرْآنِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَإِذَا قَرَأْتُ فَاتِحَةَ الْقُرْآنِ أَقْرَأُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَعَ السُّورَةِ قَالَ نَعَمْ . وقتی برای نماز می ایستم و می خواهم حمد را بخوانم، بسم الله را بگویم؛ امام فرمودند بسم الله بگو. تصور کنید یک راوی محضر امام آمده اند و سوال می کنند موقع نماز وقتی می خواهم سوره حمد را بخوانم بسم الله بگویم که امام جواب می فرمایند بسم الله بگو. فثبت که بسم الله جزء سوره است. حالا این سوره حمد است پس بقیه سوره ها چه می شود؟ این روایت ادعایی در مورد بقیه سوره ها ندارد. حداکثر دلالت روایت شریف این است که باید در سوره حمد بسم الله هم خوانده شود. کاری که اهل تشیع و تسنن انجام می دهند. حضرت آقای خویی این روایت دلالت ندارد که بسم الله جزء قرآن و جزء سوره حمد است و همچنین در بقیه سوره ها همچنین دلالتی نیست. شما که سایر سوره ها را هم اضافه کرده اید.

2. روایت یحیی بن ابی عمران حمدانی که این روایت هم معتبره است. آقای حمدانی می گوید: جعلت فداك، ما تقول في رجل

ابتدأ بيسم الله الرحمن الرحيم في صلاته وحده في أم الكتاب؛ فلما صار إلى غير أم الكتاب من السورة تركها؛ فقال العباسي:

ليس بذلك بأس، فكتب بخطه يعيدها مرتين على رغم أنفه العباسي .

دقت کردید از کاری که اهل تسنن انجام می دهند سوال می کند. می گوید کسی در نماز فقط برای حمد بسم الله می گوید و برای غیر حمد بسم الله نمی گوید. امام در جواب می فرمایند: اعاده کند (دوباره بخواند) یعنی هم باید برای حمد بسم الله بگوید و هم برای سایر سوره ها بسم الله بگوید.

حالا ما از شما سوال می کنیم آیا این روایت دلالت می کند که البسملة من القرآن و من كل سورة یا دلالت می- کند که در نماز باید بسم الله بگوئید، این مدل مواجهه با روایات برخورد منضبطی نیست. حد این روایت شریف دلالت بر بسم الله گفتن در نماز

است. اینکه بسم الله در نماز لازم است شیء و اینکه جزء قرآن و حمد و سایر سوره ها است شیء آخر.

سوال یکی از حضار: بودن بسم الله در نماز نشان نمی دهد که بسم الله جزء سوره است؟

پاسخ: کل ذکر واجب للصلاة من القرآن. خب همین ثابت نیست و ما همین ذهن را می خواهیم به هم بریزیم. اگر کل واجب فی الصلاة من القرآن داشتیم یا کل واجب موقع ایستادن در رکعت اول جزء قرآن است که همچین چیزی هم نداریم.

3. صحیحه ابن ابی عزینة: سند این روایت هم عالی است بعلاوه چون ما در دلالت مشکل داریم دیگر نوبت به سند نمی رسد.

فَلَمَّا فَرَغَ مِنَ التَّكْبِيرِ وَ الْإِفْتِتَاحِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْآنَ وَصَلْتُ إِلَيَّ فَسَمِّ بِاسْمِي فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ ثُمَّ قَالَ لَهُ إِحْمَدُنِي فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي نَفْسِهِ شُكْرًا فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا مُحَمَّدُ قَطَعْتَ حَمْدِي فَسَمِّ بِاسْمِي فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ فِي الْحَمْدِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَرَّتَيْنِ فَلَمَّا بَلَغَ وَ لَا الضَّالِّينَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ شُكْرًا فَقَالَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ قَطَعْتَ ذِكْرِي فَسَمِّ بِاسْمِي فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بَعْدَ الْحَمْدِ فِي اسْتِقْبَالِ السُّورَةِ الْآخَرَى

فلما فرق من التكبير و الافتتاح (بعد از تكبير و افتتاح نماز) اوح الله اليه سم بسمي (به پیامبر گفته شد اسم من را ببر) فمن عجز ذلك جعل بسم الله الرحمن الرحيم في اول سورة (به همین خاطر در اول سوره بسم الله آمد) بعد دستور داده شد که احمدني (مرا ستایش کن) و لما قال الحمد لله رب العالمين. ما با همین قسمت کار داریم که بر پیامبر وحی شد که اسم مرا ببر و به همین خاطر بسم الله الرحمن الرحيم در اول سوره آمد.

ببینید اینکه در اول سوره بسم الله قرار داده شد، چه در اول سوره حمد و چه در اول سوره توحید، که در نماز بسم الله بگو، این به عنوان قرآن است، یا به عنوان جزء سوره است. مانند این است که بگویند در اول سخنرانی بسم الله قرار بده آیا این بسم الله جزء سخنرانی محسوب می شود یا اینکه سخنرانی را با بسم الله شروع کن. به نظر بنده این هم مثبت است. ما در فقه جوری تربیت شده ایم که وقتی پای فقه باز می شود سخت گیری هم شروع می شود.

بله اگر این روایت منشا فتوا به وجوب بسم الله در اول سوره حمد یا توحید باشد، شما اگر می خواهید فتوا به وجوب بدهید بدهید ولی اینکه به عنوان سوره حساب کنید، به گمان ما اثبات مشکل است.

آقای خوئی 8 روایت هم از اهل سنت می آورند که ما از روایات اهل سنت عبور می کنیم.

یک روایت این است. ابوحریره نقل می کند: قال رسول الله إذا قرئتم الحمد فقرأوا بسم الله الرحمن الرحيم فانه ام الكتاب و سبع المثاني و بسم الله الرحمن الرحيم اهدى آياتها. وقتی می خواهید نماز بخوانید ام القرآن را بخوانید یعنی فاتحة الكتاب را بخوانید و بسم الله یکی از آیات حمد است. این حدیث خوب است و هیچ مناقشه ای بر دلالت حدیث نیست اما عدم مناقشه نسبت به سوره حمد است ولی بقیه سوره ها مناقشه دارد.

ابن عباس نقل می کند که سوال می کنند اینکه فاتحة الكتاب السبع المثاني هفت آیه که دوبار نازل شده آين السابعة؟ آیه هفتم کدام است. ظاهرا این ها از الحمد لله رب العالمين شروع می کردند تا والضالين که 6 آیه می - شد و می گفتند هفتمین آیه پس کو؟ ابن عباس هرچه بگوید از اهل بیت است که می گوید هفتمین آیه بسم الله الرحمن الرحيم است که شما آنرا حساب نمی کنید. لذا در قرآن تنها سوره ای که بسم الله در آن آیه مستقل است سوره حمد می باشد. دلالت این آیه هم خوب است ولی باز بر سوره حمد دلالت دارد و فقط این سوره را ثابت می کند.

روایت دیگر: استرقت الشيطان من الناس (شیاطین از جنس مردم) اعظم آية من القرآن (اعظم آیه قرآن را زدیدند که بسم الله الرحمن الرحيم بود. به نظرتان از این حدیث چیزی در می آید؟ بله در می آید که بسم الله از قرآن است و اعظم آیات قرآن است ولی آیا جزء هر سوره هم است؟ این روایت نهایتا ثابت می کند که جزء قرآن است و برای تبرک و تیمن و فصل بین سوره ها نیامده است و از باب اینکه هر کاری را با بسم الله شروع کنید نیست. لذا شما وقتی می خواهید نماز آیات بخوانید حمد را خوانده اید و می خواهید سوره را 5 قسمت کنید، بسم الله را بگوئید و به رکوع بروید، بعد قل هو الله احد و سپس رکوع که این مشکل می شود چون بسم الله را هم آیه حساب کرده اید.

عزیزان مسلم نگیرید که بسم الله اگر جزء سوره نیست پس چیست؟ خب جزء قرآن است، بین السورتين است، مگر اشکالی دارد که 112 بسم الله بین سوره ها داشته باشیم. مشکل است که بگوئیم بسم الله جزء سوره است. اگر یادتان باشد در اقوالی که جلسه قبل گذشت، برخی می گفتند جزء حمد است ولی جزء غیر حمد نیست.

سوال یکی از حضار: بسم الله آیه هم است یا نه؟

استاد: آیه ای از قرآن است ولی اینکه شماره بخورد نه اینگونه نیست. ببینید اینکه هر آیه در قرآن باید شماره داشته باشد این برای کاتبان است و از طرف جبرئیل نیست. روایات دیگری هم داریم که دلالت شان برای حمد است برای همین از روایات می گذریم.

گفتیم که مرحوم آقای خویی 4 دلیل برای این بحث آورده اند: روایات شیعه، روایات عامه، سیره مسلمین، ایشان می فرمایند لقد استقرت سيرة المسلمين دلالت می کند علی قراءة البسمة في أوائل السور غير سورة براءة، وثبت بالتواتر أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم كان يقرأها. مسلمانان و پیامبر عظیم الشان بسم الله را در اوائل سور می خواندند. حالا بعد مدرسه بنی امیه و بنی عباس و سقیفه بنی ساعده آن را حذف کردند خلاف سیره پیامبر است. ولو لم تكن من القرآن للزم على الرسول الاكرم صلى الله عليه وآله وسلم أن يصرح بذلك ، فإن قراءته - وهو في مقام البيان - ظاهرة في أن جميع ما يقرأ قرآن ، ولو لم يكن بعض ما يقرأ قرآنا ثم لم يصرح بذلك لكان ذلك منه إغراء منه بالجهل وهو قبيح ، وفي ما يرجع إلى الوحي الالهي أشد قبحا ، ولو صرح الرسول صلى الله عليه وآله وسلم بذلك لنقل الينا بالتواتر مع أنه لم ينقل حتى بالأحاد . (پیامبر در نماز می خواندند و بنا بوده هرچه قرآن است بخوانند و اگر بسم الله جزء سوره نبود تصریح می کردند) از عدم البيان، جزء بودن قرآن را کشف می کنیم.

ما خیلی دوست داریم قبول کنیم. اگر جزء نماز باشد و پیامبر هم نماز می خوانند اصلا لازم است تصریح کنند؟ ایشان می خواهد از اطلاق مقامی استفاده کنند، قوام اطلاق مقامی به عدم البيان است، البته اینجا اطلاق گیری نمی کنیم بلکه اینجا باید گفت از سکوت پیامبر و عدم البيان استفاده مطلب می کنیم.

اینکه مسلمانان برداشت می کردند که پیامبر چیزی غیر از قرآن در نماز نمی آوردند، اثبات این به نظر ما سخت است. روایت و آیه داریم که پیامبر گفته باشند که من چیزی به غیر از قرآن در نماز نمی آورم؟ نکته دیگری به عنوان آخرین دلیل گفته اند در قرآن های تابعین و صحابه بسم الله بوده است. قبل از دستور عثمان به جمع آوری قرآن ها و انتشار قرآن واحد و همچنین بعد از جمع قرآن در عصر عثمان، بسم الله در قرآن بوده. مثلا در عربستان در نماز غیر سوره حمد بعضا بسم الله را نمی گویند و حتی چند آیه می خوانند ولی قرآن را نگاه کنید دقیقا مثل قرآن ما است یعنی 113 سوره با بسم الله شروع می شود.

مما لا ريب فيه أن مصاحف التابعين والصحابة - قبل جمع عثمان وبعده - كانت مشتملة على البسمة ، ولو لم تكن من القرآن لما أثبتوها في مصاحفهم ، فان الصحابة منعت أن يدرج في المصحف ما ليس من القرآن ، حتى أن بعض المتقدمين منعوا عن تنقيط المصحف وتشكيله . فإثبات البسمة في مصاحفهم شهادة منهم بأنها من القرآن كسائر الايات المتكررة فيه . وما ذكرناه يبطل احتمال أن إثباتهم إياها كان للفصل بين السور . ويبطل هذه الدعوى أيضا إثبات البسمة في سورة الفاتحة ، وعدم إثباتها في أول سورة براءة . ولو كانت للفصل بين السور ، لاثبتت في الثانية ، ولم تثبت في الاولى . وذلك يدلنا قطعا على أن البسمة آية منزلة في الفاتحة دون سورة براءة.

صحابه ممنوع بودند که غیر قرآن را در قرآن بیاورند. حالا اینها اثبات تاریخی می خواهد، اینکه صحابه ممنوع بودند چه کسی آنها را ممنوع کرده بود؟ کاتبان مصحف از این منع مطابعت کردند یا روی روال و عادتی که برای هر کاری بسم الله می نوشتند اینجا هم می نوشتند؟ بنده نمی خواهم بگویم که این ادله ملحن نیست ولی یک گزاره را اثبات نمی کند. اثبات اینکه البسمة من القرآن و من كل سورة.

ما معتقد هستیم بسم الله جزء قرآن است، اما سوره حمد بسم الله دارد و اگر کسی هم نخواند سوره حمد را نخوانده است و اگر بخواد در نماز آیات این سوره را برای 5 رکوع تقسیم کند، می تواند اینگونه عمل کند و بسم الله یک تکه باشد ولی از حمد که بگذریم نمی توانیم فتوا بدهیم که بسم الله جزء من السوره است و طبیعتا در آیات هم می شود به آن اکتفا کرد. بنده بین فقها گشتم که ببینم کسی این نظر را دارد مرحوم آیت الله سید محمدهادی میلانی را یافتم.

فتوای مرحوم میلانی

وجوبها مع كل سورة عدا البرائه لا ريب فيها (اینکه واجب است با هر سوره ای بسم الله بگویی شکی نیست) اما جزئیتها فی غیر فاتحة الكتاب لا یخلو من تأمل (اما جزء بودن بسم الله در غیر فاتحة الكتاب خالی از تأمل نیست). در این نظر سه ادعا است:

أ. بسم الله جزء فاتحة الكتاب است.

ب. جزء بودن برای غیر فاتحة الكتاب خالی از تامل نیست.

ت. در نماز گفتن بسم الله لازم است.

سوالات آخر جلسه

سوال 1: اینکه از روایت عامه استفاده کردند و سیره و روش عامه این بوده که بعضا در فقه و غیره دستکاری می کردند آیا با این پیشینه، خللی در استفاده از روایات به وجود نمی آید؟ وقتی می گویند اجنه یا هر کس دیگری بسم الله را برداشتند، از اهل بیت علیهم السلام در موارد خیلی ریزتر از این بحث روایات متعددی داریم ولی حالا در باب بسم الله دستمان خالی است آیا این خود نشانه و اماره نیست که آقایان استفاده شان را بکنند؟

پاسخ: در مورد قسم اول خللی وارد نمی شود. قسم دوم هم باید بیان بیشتری بیاورند ولی دلیل شاهد نیست اما مقرباتی به ذهن است.

سوال 2: استاد در یکی از مقالات کارکردگرایی را به القاء خصوصیت حداکثری معنا کرده اید، همیشه گفت خصوصیت دارد؟ پاسخ: بنده کارکردگرایی را معنا کنم به القاء خصوصیت حداکثری؟! بله از آثار کارکردگرایی گاهی القاء خصوصیت است و گاهی هم برعکس این است. کارکردگرایی گاهی توسعه می دهد و گاهی ضیق می دهد.

سوال 3: استاد یک روایتی خواندید و مثال آوردید که بسم الله در اول سخنرانی و شروع درس یا در وسط بیاید. آیا این اول یا آخر و وسط آمدن نشان از این نیست که جزء سوره است؟

پاسخ: می تواند اول شروع سوره مراد باشد بدون اینکه خود سوره مراد باشد.

سوال 4: اینکه در روایت است ما نمی دانستیم که کتاب و افتتاح سوره چیست تا اینکه بسم الله نازل شد دلیل نیست؟ روایت دیگری هم است که حضرت امیر می فرماید: لم ينظر بسم الله الرحمن الرحيم على رأس سورة براءة لان بسم الله للأمان و الرحمة و نزلت براءة للأمان للسيف آیا نشان از جزء بودن بسم الله در سوره نیست؟ اگر صرف افتتاح بود فیها المراد.

پاسخ: وقتی بسم الله می آمد می دانستیم که سوره تمام شده است - شاید این را برساند که بسمله های اوائل سوره جزء قرآن است اما جزء سوره هم باشد که ثمره فقهی هم بر آن بار شود؟ راس سوره یعنی آغاز سوره که بسم الله می آید و سوره آغاز می شود.

ادامه سوال 4: ادامه روایت مهم است چون راس است و تناسب دارد در حقیقت امان و رحمت می آید.

پاسخ: بیان عدم تناسب با برائت است وگرنه بسم الله با هل اتی علی الانسان چه تناسبی دارد یا با عم يتساءلون چه تناسبی دارد.